

حفظ ادبیات فاخر تقریبی و دوری از ادبیات ضد تقریبی

تألیف و تدوین آثار تقریبی یکی از رسالت‌های مهم دانشگاه مذاهب اسلامی است. پایان‌نامه‌ها و رساله‌های دفاع شده در بخش تحصیلات تکمیلی دانشگاه، بخشی از این رسالت مهم شمرده می‌شود. گفتگویی در این باره با آقای دکتر محمود ویسی عضو هیئت علمی دانشگاه مذاهب اسلامی انجام شده که در بخشی از آن ویژگی‌های پایان‌نامه‌ها و رساله‌های تقریبی به شرح ذیل می‌آید.

دکتر محمود ویسی درباره تدوین نظام و مسائل حوزه پایان‌نامه‌نویسی تقریبی بر این باور است که دو آسیب تقریب را تهدید می‌کند. اول ادبیات تقریب گریز و دوم ادبیات تقریب ستیز است. این دو باید کاملاً شناخته و بازتعریف شوند. مهم است که چه چیزی مخاطبان را از تقریب می‌گریزند و موجب تقریب ستیزی آن‌ها می‌شود. با توجه به این دو آسیب تکلیف پرسش شما هم مشخص می‌شود. بنابراین ویژگی‌های مهم و محوری پایان‌نامه‌ها و رساله‌های تقریبی این است که ادبیات تقریب گریز و تقریب ستیز نداشته باشد.

منظور از تقریب گریزی و تقریب ستیزی چیست؟ تا ما در کسوت استاد راهنما یا مشاور سعی کنیم پایان‌نامه‌ها را به آن سمت سوق داده نشوند. اینکه دانشجو از ادبیات فاخر و فرهیخته در نوشتن موضوعات در حوزه فقه مقارن، تفسیر مقارن و حدیث مقارن برخوردار باشد با کمک ما اساتید شدنی است. برداشت ما از آیه ۲۴ سوره سبأ که بیانگر راهبرد عملی تقریب است نفی تقریب گریزی و تقریب ستیزی می‌باشد. اینکه ادبیات فردی که اهل تقریب است باید از جنس ادبیات پیامبر باشد. در این آیه خداوند به پیامبر می‌فرماید: «قُلِ اللَّهُ وَإِنَّا أَوْ إِيَّاكُمْ لَعَلَىٰ هُدًى أَوْ فِي ضَلَالٍ مُّبِينٍ» نمی‌گوید شما گمراهید بلکه می‌گوید من و شما یا بر هدایتیم یا بر گمراه.

آیه ۲۹ سوره ملک هم این تعبیر را با ادبیات دیگری دارد که کفار و مشرکان آرزوی هلاکت پیامبر دارند. پیامبر با ادبیات خود با آن‌ها حرف می‌زند و می‌فرماید اگر فرض را بر این بگذارید خداوند من و کسانی که همراهم هستند را از بین ببرد چه کسی کافران را از عذاب می‌رهاند نمی‌گوید شما را.

وقتی پیامبر خدا نوح - علیه‌السلام - در جایگاه کسی که می‌خواهد مردم را به خود و خود را به مردم نزدیک کند و همه به خدا نزدیک شوند اما به او توهین می‌کنند و با ادبیات تقریب گریزانه و تقریب‌آهسته با او مقابله می‌کنند و به او می‌گویند «انا نراک فی ضلاله، انا نراک فی سفاهه». الآن اگر کسی را سفیه یا گمراه خطاب کنیم او از ما دور می‌شود. این همان تقریب‌آهسته و تقریب‌آهسته است. جواب دعوتگری مانند نوح - علیه‌السلام - که کارش تقریب و محور دعوتش تقریب است می‌گوید «لیس بی ضلاله، لیس بی سفاهه». نمی‌گوید خودتان گمراه و سفیه هستید بلکه می‌گوید من گمراه و سفیه نیستم. این ادبیات با ادبیات تقریب‌آهسته و تقریب‌آهسته مقابله‌به‌مثل می‌کند.

آیه ۲۵ سوره سبأ می‌گوید: «قل لا تسالون عما اجرنا و لا نسال عما تعملون». آن‌ها دعوتگر را سفیه، ضال و مجرم می‌خواندند اما او می‌گوید اگر ما مجرم هم باشیم درباره عملکرد ما؛ از شما سؤال نمی‌شود و در اصل نیز باید مقابله‌به‌مثل می‌کرد. اما در آن نوع مقابله‌به‌مثل تقریب‌آهسته و تقریب‌آهسته است. در پایان آیه می‌گوید: «قل لا تسالون عما اجرنا و لا نسال عما تعملون». جالب است درحالی که قاعده این بود که بفرمایند «و لا نسال عما تجرمون». شما گفتید ما مجرمیم ما هم گفتیم اگر شما جرم کنید ما مورد سؤال واقع نمی‌شویم. یعنی نه شما از جرم ما مورد سؤال واقع می‌شوید و نه ما از عملکرد شما؛ درحالی که می‌توانست بگوید از جرم شما. این‌ها کلمات و الفاظاند اما قرآن کاملاً روی آن دقت دارد. بنابراین ادبیات ما نباید در گفتار و در نوشتار از ادبیات تقریب‌آهسته و تقریب‌آهسته استفاده کنیم. کسی که شروع به خواندن چکیده و مقدمه رساله می‌کند می‌بایست چنان شور و شعفی در او ایجاد شود که تشویق به خواندن ادامه آن شود. پس اگر رساله و پایان‌نامه از این دو نوع ادبیات مخرب، و تهدیدکننده تقریب دور بماند؛ پایان‌نامه‌ها و رساله‌ها ویژگی تقریبی را پیدا خواهند کرد.

ادبیات یک مفهوم عام است و بخش‌های کوچک را پوشش می‌دهد. به‌ویژه کسی که در حوزه فقه مقارن تحقیق می‌کند. فلسفه مقارن بودن این است که دانشجو را آموزش می‌دهیم تا در مسیری بنویسد که دیدگاه‌های مختلف را بررسی و با احترام آن‌ها را آورده و ارزیابی کند و در پایان با استفاده از ادله ثابت کند این دیدگاه بر دیدگاه دیگر ترجیح دارد. باید آموزش بدهیم ادبیاتی باشد که ارزش مکتوب شدن را داشته باشد. برخی حرف‌ها فقط حرف باقی می‌ماند، اما برخی از آن‌ها از لحظه‌ای که بر زبان جاری شد و قلم آن را نوشت عمل و دغدغه می‌شوند. وقتی از ناکارآمدی بحث می‌کنیم یعنی غیرکاربردی بودن. اگر کاربردی باشد کارآمد هم می‌شود. کاربردی شدن مقدمه کارآمد شدن است. می‌توان ذیل همین دوری از ادبیات تقریب‌گریز و تقریباً همه ویژگی‌هایی دیگری را در پایان‌نامه‌ها مدنظر قرار داد. از جمله اینکه استاد راهنما باید این ادبیات را داشته باشد.

اما اگر بخواهیم به ویژگی‌های پایان‌نامه و رساله‌های تقریبی بپردازیم و دامنه بحث را گسترش دهیم، استاد راهنما و مشاور می‌خواهند پایان‌نامه را هدایت کنند تا خروجی آن عملیاتی و تطبیق و اجراشدنی باشد باید یک وجه اشتراک داشته باشند و آن برخورداری از ادبیات انسانی و واقع‌گرایانه است. یعنی ادبیات حاکم بر پایان‌نامه باید انسانی و دگرپذیر باشد. دگرپذیری محور اساسی است که باید بر همه پایان‌نامه‌ها حاکم باشد چون دگرپذیری به‌صورت غیرمستقیم خادم تقریب است یعنی نزدیک کردن اذهان، تجارب، نگاه افراد در حوزه‌های مختلف.

منابع پایان‌نامه‌ها و رساله‌های تقریبی

در یک تقسیم‌بندی کلی منابع دودسته‌اند. نخست منابع دسته اول یا متقدم و منابع دسته دوم. گاهی استاد و دانشجو به منابع دست‌اول دسترسی ندارند پس به منابع دسته دوم رجوع می‌کنند. وقتی منابع دست‌دوم جایگاه منابع دست‌اول را پیدا می‌کنند که مسائل نو پیدا و مسائل مستحدث و جدید داریم. در هزار سال پیش درباره مسائل امروز کتابی نبوده است. پس وقتی منابع دست‌اول در دسترس نباشد منابع دست‌دوم جای آن را می‌گیرد. اما ویژگی‌هایی این منابع باید ادبیات غنی و آزادمنشانه باشد و به‌دوراز ادبیات متعصبانه که تنها در پی اثبات دیدگاه خود باشد. طوری که برای پاسخگویی به دیدگاه‌های مخالف از ادبیات قرآنی استفاده می‌کند. پس اگر آبشخور رساله‌های تقریبی منابع دست‌اول باشد که با ادبیات پاکیزه نوشته‌شده باشد دانشجویان در همان مسیر حرکت می‌کنند و به نتیجه دلخواه می‌رسند.

روی هم‌رفته باید از منابع جدید و مفید استفاده شود و منابع قدیم که اصالت ثابت شده دارند و در عین حال نباید خلاقیت و نوآوری فراموش شود. یکی از نشانه‌های قوت پایان‌نامه و رساله کثرت و تنوع منابع است. همان ویژگی‌هایی را که برای پایان‌نامه‌های تقریبی در نظر گرفتیم می‌توان برای منابع هم در نظر گرفت و این به شخصیت‌شناسی نویسندگان آثار برمی‌گردد. در پایان‌نامه‌ها وقتی مطلبی از مؤلفان متقدم نقل می‌شود ابتدا باید سرگذشت نامه او برای خواننده آورد تا ویژگی‌های پایان‌نامه برگرفته از شخصیت مؤلف مشخص شود و ارتباط تنگاتنگ میان مکتوبات در حوزه تحقیق، پژوهش و مؤلف به وجود آید. بنابراین ویژگی‌های کتاب و منبع تقریبی از نویسنده آن پیروی می‌کند پس لازم است نخست مؤلفان را بشناسیم و بعد کتاب‌هایشان را. باید اعتمادمان در پژوهش بیشتر بر کتاب‌های دست‌اول با ادبیات پاک و فاخر به‌دوراز تقریب‌گریزی و تقریب‌ستیزی باشد. اگر این دو آسیب از اول شناخته شود و پایان‌نامه‌ها و رساله‌ها را از این دو آسیب دور کنیم می‌توانیم امیدوار باشیم خروجی پایان‌نامه و رساله خدمتی به جامعه بشری خواهد بود. ممکن است عنوان تحقیق تقریبی نباشد اما کاربرد تقریبی دارد. بر این باورم علوم انسانی باید این کار را شروع کند. ممکن است شخص باور به خدا نداشته باشد اما کار علمی ارزشمند ارائه کند و ما نباید به آن بی‌توجه باشیم. خدا فرموده است کارهایی که مردم انجام می‌دهند را تحقیر نکنید. یعنی به تحقیقات و تولیدات دیگران بها بدهید.

در پایان یادآوری می‌کنم من دانش‌آموخته رشته فقه مقارن هستم. از سال ۲۰۰۸ تازه این رشته کلید خورده بود. فقه مقارن رشته‌ای مؤثر در عملیاتی کردن پروژه تقریب است که در سال ۲۰۰۸ ایجاد شد و می‌تواند انسان را از تعصبات مذهبی دور کند. به گونه‌ای - با حفظ احترام برای مذاهب - فرامذهبی است. فرامذهبی بودن مثبت و مقارن نگاه کردن است اما لامذهبی منفی است. در فرامذهبی التزام

و تعهد به مذهبی خاص وجود دارد، اما درعین حال مذاهب دیگر را می‌بیند. اما لامذهبی هیچ‌کدام را نمی‌بیند و هیچ مبدایی را نمی‌پذیرد. بر این باورم که باید این نگاه را بیش از اکنون توسعه یابد. حتی برخی فقه‌مقارن تدریس می‌کنند اما باوری به فقه‌مقارن ندارند. انصاف علمی طلب می‌کند وقتی من با دیگر مذاهب آشنا می‌شوم بدانم تعدد مذاهب یک فرصت است. نخستین خروجی آن‌هم کتاب‌های مختلفی است که در مذاهب وجود دارد. اگر اختلاف میان فقها نبود این همه کتاب تألیف نمی‌شد. پس ما قائل به اختلافی هستیم که ارزش است و خادم تقریب و کمال است. اختلاف دیگر را که خصومت‌زا است نمی‌پذیریم چون خادم تقریب نیست اختلاف کمال‌زا این است که با حفظ ادبیات فاخر تقریبی و به‌دوراز ادبیات ضد تقریبی می‌توانیم خیلی آسان به اتحاد مطلوب دست‌یابیم، به پس هرچه به سمت فقه‌مقارن می‌رویم به همان اندازه تقریب را عملیاتی می‌کنیم و پایان‌نامه‌ها می‌تواند این ادبیات تقریبی را نهادینه نماید. اگر پژوهش‌ها در این مسیر هدایت شوند، سرانجام نیکویی را خواهند داشت.

تدوین و آماده‌سازی: علی امینی

حوزه معاونت پژوهشی دانشگاه مذاهب اسلامی

